

مریم رجوی: پیشرفت زنان در جنبش مقاومت مرهون نبرد مستمر با اندیشه‌های ارتجاعی و استثنای است

۲۳ تیر ۱۳۹۸

سخنرانی در کنفرانس بین‌المللی پیشتازی زنان در مقاومت ایران در اشرف ۳

با درود به خواهران عزیزم که از آلبانی، کشورهای اروپایی، آمریکا، کانادا، استرالیا و آسیا و کشورهای عربی در اینجا حضور دارند .

و با درود به خواهران عزیزم، اعضای خانواده بزرگ مقاومت. به اشرف ۳ خوش آمدید.

و درود می‌فرستم به اعضای شورای مرکزی سازمان مجاهدین خلق ایران که در این اجتماع شرکت کرده‌اند .

چنین اجتماعی معمولاً در روز جهانی زن برگزار می‌شود، اما هر جا که زنان گردهم بیایند و درباره رسالت‌شان برای آزادی و برابری و برای رهایی جامعه، صحبت کنند، همان روز، روز زن است .

این واقعیت به خصوص در مورد زنان ایران صدق می‌کند. چون در برابر رژیم‌های مرتجع و بنیادگرا مقاومت می‌کنند که زن ستیزی بارزترین ویژگی آن است.

پیش از حاکمیت این رژیم، زنان در ابعاد گسترده در قیام ضدسلطنتی حضور داشتند. این بیانگر جهشی در جایگاه زنان و نقش مبارزاتی آنان بود. حضور گسترده زنان در آن انقلاب، از سوابق و زمینه‌های مبارزاتی مهمی برخوردار بود. مشخصاً در دهه ۱۳۵۰ زنان پیشتاز، در مبارزه انقلابی علیه شاه فعالانه شرکت کردند. پیشتازانی همچون فاطمه امینی، مرضیه اسکویی، اعظم روحی آهنگران و اشرف رجوی از زنان برجسته این مبارزه بودند که با فداکاری بسیار راه انقلاب را گشودند.

اما رژیم‌های پس از آن به حاکمیت رسید یک استبداد مذهبی زن‌ستیز است. وقتی در سال ۵۷ روی کار آمد درست مثل این بود که سدی در مقابل رود خروشان حرکت و پیشروی زنان ایران گذاشته شد .

من بسیاری لحظه‌ها و روزهایش را به یاد دارم. انگار دو نیروی دشمن در میدان جنگ به هم رسیده باشند. دشمنی آخوندها با زنان و بیزاری و بی‌اعتمادی زنان نسبت به رژیم جدید از فردای به قدرت رسیدن خمینی شروع شد .

یعنی به محض بودن انقلاب و چنگ انداختن آخوندها به قدرت سرکوب زنان با شعارهای یا روسری یا توسری و هم‌چنین مقاومت زنان در مقابل این رژیم شروع شد و تا امروز ادامه دارد .

خوب است به‌اختصار به موقعیت زنان ایران در چند زمینه اشاره کنم:

زن ستیزی جانمایه و مبنای سیاست سرکوب رژیم نسبت به تمام جامعه

در مورد مشارکت سیاسی باید بگویم که در قدرت حاکم و در امر تصمیم‌گیری در تمام سلسله مراتب این حکومت، زنان نقشی ندارند .

موضوع دیگر محروم کردن زنان از آزادی‌های فردی و اجتماعی و حق انتخاب آزادانه است. در مسافرت، در ازدواج و زندگی خصوصی، در اشتغال و فراگیرتر از همه حق انتخاب آزادانه پوشش را از زنان گرفته است . مسأله دیگر نابرابری‌ها و تبعیض‌های وحشتناک علیه زنان توسط رژیم آخوندی است .

نابرابری فاحش در فرصت‌های شغلی، در دستمزدها، در خانواده، در تحصیل، شهادت در برابر دادگاه، استفاده از خدمات درمانی و بیمه، سهم‌الارث، فضای ورزشی و یک فهرست طولانی دیگر در همه عرصه‌ها.

این تبعیض‌ها در هر جامعه‌یی، و در هر زمانی در تاریخ، برای این بوده و هست که مردم به‌بند کشیده شوند. سرکوب شوند و غارت شوند و حقوق سیاسی‌شان مصادره شود.

موضوع دیگر رواج خشونت و ناامنی علیه زنان است. زنان در ایران در هیچ کجا احساس امنیت نمی‌کنند. نه در محیط کار، نه در رفت و آمد در خیابان‌ها و نه حتی در محیط خانواده. رژیم با گشتی‌ها و مأموران امنیتی و انتظامی ویژه که کارشان فقط توهین به زنان یا دستگیری آنهاست این سرکوب را روزانه اعمال می‌کند.

در زندان‌ها رفتار ضدانسانی نسبت به زنان بیداد می‌کند. از شروع دولت آخوند روحانی تا امروز ۹۰ زن توسط رژیم اعدام شده‌اند .

وقتی که به عمق رفتار وحشیانه آخوندها علیه زنان نگاه می‌کنیم، معلوم می‌شود که این زن ستیزی جانمایه و مبنای سیاست سرکوب نسبت به تمام جامعه است.

زنان: قربانیان اصلی توسعه فقر و محرومیت در ایران

هم‌چنین باید اشاره کنم به توسعه فقر و محرومیت که عمده قربانیان‌اش زنان‌اند.

بیش از ۶۲ درصد زنان بالاتر از ده ساله خانه‌دار هستند. آن‌هایی هم که شغل دارند ارزان‌ترین نیروی کار نسبت به تمام دنیا هستند.

زنان نیمی از کارگران کوره‌پزخانه‌ها را تشکیل می‌دهند.

میانگین مشارکت اقتصادی زنان در خاورمیانه ۲۲ درصد ولی در ایران ۱۲ درصد در شهرهاست.

این نرخ بیش از پنج دهه است که تغییر نکرده است. سازمان بین‌المللی کار که وضعیت ۲۰۰ کشور را از این نظر بررسی کرده، نشان داده که ایران در میان شش کشوری است که در آخر جدول قرار دارند. یعنی در ردیف کشورهای جنگ‌زده و متلاشی شده مثل سوریه و عراق.

شاید شنیده باشید که لابی‌های رژیم می‌گویند اگر آخوندها سرنگون شوند ایران دچار آشوب و مصیبت می‌شود. در حالی که همین حالا در حاکمیت سیاه آخوندی زنان ایران مثل زنان کشورهای جنگ‌زده و حتی بدتر از آن دچار فقر و فلاکت و بیکاری و بی‌خانمانی هستند.

به دستمزدهای اندک کارگران جوان توجه کنید که چه وضعیت دردناکی است.

دختران جوان با مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس به شغل‌هایی روآورده‌اند که حقوقشان ۱۰ الی ۲۰ دلار در ماه است. در واقع در بازار کار ایران زنان نه فقط به صورت کارگر ارزان بلکه تحت یک استثمار وحشتناک قرار دارند.

از نظر ما پاسخ مشترک تمام این تعارضات، از فقر و تبعیض تا سلب حق انتخاب آزادانه، آزادی است و برابری.

نه فقط برابری، و نه فقط آزادی. بلکه آزادی و برابری است.

این پاسخ در امر رهایی زنان است. به همین دلیل همیشه تاکید کرده‌ام که زن نه فقط رهاکننده خودش که رهاکننده جامعه است. این رسالتی است که بر دوش ماست و برای انجام آن مصمم هستیم.

زنان در صف مقدم نبرد با حاکمیت استبداد مذهبی

چند دقیقه پیش به حضور گسترده زنان در در نبرد با دو دیکتاتوری اشاره کردم. از شروع حاکمیت استبداد مذهبی زن ایرانی در صف مقدم نبرد و مهم‌تر از آن در موقعیت جلودار و راهگشا بوده است.

در آن زمان زنان برای روی آوردن به مبارزه به نسبت مردان با مشکلات مضاعفی روبرو بودند. مشکلات مخصوصا برای دختران مسلمان خیلی بیشتر بود. چون قبل از مجاهدین هیچ جریانی از زنان مسلمان در مبارزه با دیکتاتوری نداشتیم. این تابو را مجاهدین شکستند.

بعدا یکی از ویژگی‌ها و شگفتی‌های مبارزه مجاهدین به رهبری مسعود رجوی در برابر خمینی که مرجع دینی بود و مبارزه با ارتجاع و بنیادگرایی وارد شدن و رو آوردن زنان مسلمان در ابعاد وسیع اجتماعی در سراسر ایران بود.

آن‌ها آزادی و برابری و اسلام دمکراتیک می‌خواستند اما از طرف رژیم هر روز فشار و سرکوب و محرومیت بیشتری بر زنان اعمال می‌شد.

البته تاریخچه مبارزه این چهار دهه علیه استبداد دینی با پیشتازی زنان مجاهد ممتاز شده است.

شما در این روزها نمایشگاهی را مشاهده کردید که برهه‌هایی از تاریخ مقاومت مردم ایران در این چهل ساله را نشان می‌دهد.

نمایشگاه یادآوری می‌کرد که زنان مقاومت از چه مسیر خونباری عبور کرده‌اند. شما تصویر قفس‌هایی را دیدید که محل نگهداری زندانیان بوده.

برخی از کسانی که مدت‌های مدید در آن قفس‌ها اسیر بودند حالا این‌جا در کنار شما نشسته‌اند.

شما تصویرهایی از شکنجه‌گاه واحد مسکونی را دیدید که محل آزار دادن سادیستی به طور شبانه‌روزی به زندانیان زن بود.

شما کسانی را می‌بینید که از بازماندگان قتل عام ۶۷ هستند و در همین جمع زنانی را می‌بینید که از آن شرایط هولناک عبور کرده‌اند و سرفرازانه به‌وظایف مبارزاتی خود مشغولند.

درباره نبرد این زنان در شکنجه‌گاه آخوندها و درباره برخی از ده‌ها هزار زنی که در این چهل سال شکنجه یا اعدام شدند؛ از فاطمه مصباح سیزده ساله تا مادر ذاکری هفتاد ساله، کتاب‌های متعددی نوشته شده است. با این حال داستان این مقاومت‌ها هنوز به‌یقین داستان ناگفته‌یی است.

از تحمل شکنجه‌های شدید، مقاومت در برابر رفتار حیوانی بازجوها و پاسداران، مبارزه برای حفظ جمع و روحیه جمعی و رزمنده در بندهای زندان، تا تلاش برای ایجاد هسته‌های جدید مقاومت .

شایستگی این زنان در میدان نبرد آزادی‌بخش هم خود را نشان داد. سختی‌ها و پیچیدگی‌های حضور زنان در صفوف یک ارتش برای جنگ با دشمن فصل جداگانه‌ای است؛ این که، چطور واحدهای رزمنده خودشان را شکل بدهند، چطور آموزش ببینند و چطور فرماندهی کنند. و یا اینکه چطور در ۱۴ سال پایداری در اشرف و لیبرتی با همه موانع جنگیدند و از مقاومت دست نکشیدند.

هزار زن پیشتاز در شورای مرکزی سازمان مجاهدین

حالا شما در این جا هزار زن پیشتاز را می‌بینید. هزار زنی که از شهرهای مختلف ایران آمده‌اند: یا از دانشگاه‌های کشورهای آمریکا و اروپا یا ایران. شما در این جا سه نسل از زنان را در کنار هم می‌بینید.

در واقع بالاترین نهاد رهبری کننده سازمان مجاهدین خلق ایران تماماً از زنان مجاهد تشکیل شده است .

این دستاورد ثمره طی کردن مسیری است که مجاهدین از آغاز تحت رهبری مسعود رجوی با اعتقاد به آزادی و برابری طی کرده‌اند .

خوب است اشاره کنم که دو ماه بعد از روی کار آمدن خمینی، مجاهدین در بیانیه‌یی انتظارات مرحله‌یی خود را در پانزده ماده از نظام جدید اعلام کردند. در ماده ششم بیانیه «تأمین کامل حقوق سیاسی و اجتماعی زنان» خواسته شده بود و مشخصاً بر «تأمین دستمزد مساوی در برابر کار مساوی» برای زنان کارگر تأکید شده بود .

چند ماه بعد، وقتی که مسعود در انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شد، یک برنامه ده‌ماده‌یی ارائه کرد که با تشکیل شوراها برای مشارکت مردم در اداره کشور شروع می‌شد و هفتمین ماده آن برابری زن و مرد بود.

مواد دیگری مثل حقوق ملیت‌ها، آزادی کامل احزاب و عقاید و مطبوعات و مساوات میان شیعه و سنی هم در این برنامه بود که با استقبال و حمایت وسیع زنان، جوانان، ملیت‌ها و پیروان مذاهب گوناگون و تقریباً تمام گروه‌ها و احزاب مواجه شد. به طوری که خمینی وحشت‌زده شد و در یک تصمیم بسیار رسوا برخلاف قول خودش مسعود را از کاندیداتوری حذف کرد .

در چنین کشاکشی بود که نسلی از دختران و زنان جوان روز به روز به آگاهی مبارزاتی تازه‌یی دست یافتند و وسیعاً در مبارزه ضد ارتجاعی و نبرد برای آزادی و برابری شرکت کردند .

از فرازهای مهم این مبارزه درخشش دختران جوانی است که با وجود سن پایین بیشترین مقاومت‌ها را در برابر پاسداران و شکنجه‌گران داشتند. در میان آن‌ها قهرمانانی مانند حمیرا اشراق یا زهرا و کبری ابراهیمیان و ثریا ابوالفتحی را مشاهده می‌کنیم که نام‌شان همواره در تاریخ مبارزات زنان باقی است .

آن‌ها با مسعود رجوی و با ایمان به‌راه و آرمان او یعنی آزادی چشم به‌دنیای سیاست و مبارزه گشودند و هرکدام پیشتازان این راه شدند. دخترانی که امروز در کانون‌های شورشی به‌مبارزه مشغولند امتداد همان مسیرند. بنابراین وقتی از اعضای شورای مرکزی مجاهدین صحبت می‌کنیم، این زنان اولاً از زندان‌ها و از میدان‌های نبرد راه خود را باز کرده‌اند.

ثانیاً، از مبارزه با دو ایدئولوژی سهمگین راه خود را گشوده‌اند. یکی علیه جنسیت‌گرایی دیگری علیه فردیت‌گرایی منفی. به‌عمد کلمه منفی را به‌کار بردم تا مرز این ایدئولوژی اسیرکننده از فردیت کمال‌یابنده انسان روشن باشد.

این زنان مسئولیت‌سنگینی را پذیرفته‌اند. انتخاب کرده‌اند که در شکست و پیروزی، در همه تلاطم‌ها و بالا پایینی‌ها آن را رها نکنند.

تلاش برای رهایی جامعه ضرورت مسئولیت‌پذیری و رهبری زنان را ایجاب می‌کند

ضرورتی که مسئولیت‌پذیری و رهبری را بر دوش زنان می‌گذارد، امر رهایی جامعه است. این مسئولیت ماست. ما باید به‌اساسی‌ترین رنج‌ها و چالش‌هایی که در جوامع مان هست، پاسخ بدهیم .

مسأله فقر و تبعیض، مسأله کودکان بی‌پناه، آوارگان، فجایع زیست محیطی، از همه مهم‌تر مشارکت سیاسی و اجتماعی همه‌آحاد جامعه، حق انتخاب آزادانه و البته رهایی زنان و مردان از جنسیت زدگی همه و همه مسولیت ماست .

باید تأکید کنم که برابری و رهایی زن تنها و تنها وقتی اصالت دارد، و هنگامی می‌تواند بازگشت‌ناپذیر باشد و وقتی می‌تواند پاسخگوی مسولیت‌هایی باشد که پذیرفته که با رهایی مردان همراه باشد .

این دستاوردی است که جنبش ما از آن برخوردار شده. یعنی اعتلای انسانی مردان پیشتاز که بر جنسیت‌گرایی و نظام مردسالار شورش کرده‌اند، برای ساختن یک مناسبات واقعاً برابر تلاش می‌کنند و در این مسیر خودشان رها می‌شوند.

اگر جنبش ما عمیقاً نافی بهره‌کشی و همه کارکردهای سیاسی و اجتماعی و فکری و فرهنگی آن نبود، زنان نمی‌توانستند در این مواضع به صورت پایداری حضور داشته باشند. پیشرفت زنان در جنبش مقاومت قبل از هرچیز مرهون یک نبرد مستمر با اندیشه‌های ارتجاعی و استثمارگری است.

در اندیشه انسان درجه دو بودن زن و ناتوانی‌هایی که به زن نسبت می‌دهند تفکر غالب است و قدمت آن به اندازه تاریخ بشر است .

اما زنان این مقاومت با انتخاب مبارزه با دیکتاتوری مذهبی که ویژگی‌اش زن‌ستیزی است با این اندیشه جنگیدند و این مبارزه و نبردی است که ادامه دارد. این زنان هر چه آثار اندیشه فردیت فروبنده را بیشتر پس می‌زنند و هر چه مناسبات آن‌ها با هم می‌شود به مدار جدیدی از توانمندی و مسولیت پذیری می‌رسند و راه پیشرفتشان هموار می‌شود. و در همین جاست که بروز استعدادهای درخشان و فوران انرژی‌های انسانی را مشاهده می‌کنیم .

یعنی مسیر حرکت فرد از یک زندگی ایزوله و در لاک خود بودن به زندگی اجتماعی که محصول تکامل انسان است آنهم در بالاترین سطح و مناسبات و روابط مستلزم یک نبرد مستمر است.

زنان ایران، امروز پاسخ سرنگونی رژیم و فردا آورنده صلح و سازندگی برای ایران

در همین مسیر زنان می‌توانند و باید نقش پیشتاز داشته باشند.

و از همین جاست که زنان ایران، امروز پاسخ سرنگونی استبداد دینی هستند و فردا صلح و سازندگی را به‌ارمغان می‌آورند .

خوشبختانه امروز پیام‌رهای‌بخش مجاهدین و مشخصاً امر برابری با اقبال دختران و پسران جوان در شهرهای ایران رو به‌رو شده است .

کانون‌های شورشی که در دو سال اخیر گسترش پیدا کرده‌اند عمیقاً تحت تأثیر الگویی هستند که زنان این مقاومت ایجاد کرده‌اند .

جوانی از خرم‌آباد نوشته است: «جوانه‌یی از درخت تنومند مجاهدین‌ام، می‌رویم، زنده هستم و می‌جنگم. من مجاهدم پس هستم.»

و این‌هم جملاتی از نامه‌ی مینا عضو یک کانون شورشی: «من شکوفایی گل‌های امیدم را در رویاها می‌بینم، و ندایی که به من می‌گوید: "گرچه شب تاریک است دل قوی دار، سحر نزدیک است" دل من در شب خواب پروانه شدن می‌بیند.»

این دختران و پسران آگاه و دلیر از ۴ دهه فداکاری و پایداری مجاهدین الهام گرفته و می‌گیرند. برای آن‌ها اعتقاد و پایبندی مجاهدین به آزادی و برابری الگوی زنده و سمت‌دهنده‌یی در مبارزه علیه استبداد حاکم است .

می‌خواهم در همین جا به زندانیان سیاسی ایران به‌خصوص خواهران مبارز و مجاهدم که در زندان‌های خامنه‌ای در شهرهای مختلف ایستادگی می‌کنند، درود بفرستم .

آن‌ها، علاوه بر مخالفت با دیکتاتوری، جرم نابخشودنی‌شان این است که زنان به‌پاخاسته‌اند .

زن بودن و تسلیم نشدن، زن بودن و در میدان مبارزه بودن، زن بودن و به‌جای به‌خود فکر کردن به‌رهای مردم اسیر فکر کردن؛ این چیزی است که آخوندها را به‌مرز خفگی و جنون می‌رساند .

اجازه بدهید در پایان، خواهرانم در ایران به‌خصوص دختران آگاهی را که از وضع موجود و شرائط غیرقابل تحمل حاکم به‌ستوه آمده‌اند خطاب قرار بدهم .

امروز وضع فوق‌العاده‌یی حاکم است، رژیم راه پس و پیش ندارد، جامعه مثل آتش زیر خاکستر است، اقتصاد کشور در حال فلج شدگی کامل است .

رژیم آخوندی شب و روز تقلا و تکاپو می‌کند، می‌کشد و غارت می‌کند تا زن ایرانی تسلیم شود .

اما راه و رسمی که زنان و دختران آگاه و شورشی با الهام گرفتن از هزار زن اشرفی پیش رو دارند، یک مبارزه رهاکننده و رهایی‌بخش است .

الگویی است که در آن نگاه‌ها، استانداردها، ذهنیت‌ها و ارزش‌های جنسیت زده جایی ندارد .

الگوی زن به‌پاخاسته است که در آن زن تعیین‌کننده، مولد، اثرگذار و راه‌گشاست .

سرنوشت سیاسی جامعه و کشور را سرنوشت خودش می‌داند .

نجات ایران از دیکتاتوری و فقر و عقب‌ماندگی را مسئولیت خودش می‌داند .

نجات میلیون میلیون کودک گرسنه و بی‌پناه را کار خودش می‌داند .

نجات این همه زن تیره بخت را که سرنوشت‌شان را با ننگ و عار آلوده کرده‌اند، مسئولیت خود می‌داند .

این چنین است که زن آگاه و شورشگر میدان مبارزه و نبرد برای رهایی را در می‌نوردد و این چنین است که آرمان برابری را محقق می‌کند .

از همه شما متشکرم .